بسم الله الرحمن الرحیم. درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 29 مهر 1396.

بحث در مورد ابو سمینه محمد بن علی صیرفی بود. عرض شد که در مورد ابو سمینه یک سری تضعیفاتی وارد شده است. در مورد این تضعیفات یک بحث این است که آیا ذاتا این تضعیفات اعتبار دارد یا خیر. خب ما یک اشکال عام در تضعیفات رجالی ها داریم آن این است که خیلی وقت ها این تضعیفات بر اساس متن شناسی و امور استنباطی صورت گرفته است. و علم اجمالی به وجود متن شناسی باعث می شود که این تضعیفات از اعتبار بیفتد. این یک بیان و یک بیان دیگر اینکه اساس اعتبار شهادت ائمه رجال به عنوان ظنّ خاص مبتنی بر این است که ظنّ نوعی بر استناد ائمه رجال به امور حدسیه وجود نداشته باشد یا بفرمایید ظنّ نوعی بر اینکه شهادتشان حسّی هست وجود داشته باشد. و ما همچین ظنّ نوعی در مورد شهادات رجالیه نداریم. خب عرض کردم این دو بیان در مورد ابو سمینه نمی آید. به خاطر ویژگی های خاصی که در مورد ابو سمینه هست که در جلسات قبل در مورد شهاداتش توضیحاتی دادیم که اینکه این شهادات بر پایه امور حدسیه باشد، همچین ما نداریم.

ویژگی هایی که در مورد تضعیفات ابوسمینه هست، باعث می شود می شود که نه بیان اول که علم اجمالی هست اینجا بیاید و نه بیان دوم. چون علم اجمالی به استناد تضعیفات به امور حدسیه منحل است به علم اجمالی به استنادشان در مواردی که مظنون الاستناد هست به امور حدسیه. ما فرض کنید که یک سری موارد هست قرائنی در استناد به امور حدسیه وجود دارد. یا لا اقل حالا اینطوری تعبیر کنیم مواردی که ظنّ به عدم استناد به امور حدسیّه نباشد. حالا این باشد این علم اجمالی من تقریباتش را سؤال کردید می خواستم یک بار دیگر بحث را بگویم سینه ام نمی گذارد. بگذارید بحثی که آماده کرده ام بگویم فردا این را توضیح بیشتر می دهم.

حالا عرض کنم ما عرض کردیم که به نظر می رسد که ذاتا تضعیفاتی که در مورد ابو سمینه هست اعتبار دارد. یا به جهت اینکه به اعتبار ظنّ خاص این را نگاه می کنیم. شهادت ائمه رجالیه به عنوان ظنّ خاص اینجا میگیرد. یا به اعتبار اینکه ما شهادات ائمه رجالی را از باب ظن به اعتبار انسداد صغیر می گیریم اینجا هم ظن به عدم اعتبارش وجود دارد. البته عرض کردم ذاتا ظنّ وجود دارد. ما باید ببینیم آیا در مقابل این شهادات به تضعیف امارات توثیق وجود دارد یا خیر. بنابراین مقتضی برای تضعیف وجود دارد. ما باید بحث کنیم که آیا مانع از این وجود دارد یا خیر. ببینید مانع را دو گونه می شود تصویر کرد. یکی مانعی که مانع آن ظنّ خاص است. مانع ظنّ خاص یعنی اینکه فرض کنید از یک طرف ما شهادت ائمه رجال داریم بر تضعیف و یک مانعی می آید و باعث می شود که ما علم پیدا کنیم که آن شهادت کاذب است. خب این باعث می شود که آن از حجّیّت بیفتد. یک موقعی است که علم به تضعیفش حاصل نمی شود. یک شهادت معارض دارد. این هم یک جور و یک مدل. هر دو جورش را در این بحث های آینده باید مطرح کنیم که آیا آن وجهی که به عنوان مانع ذکر می کنیم اصل اعتبار را از بین می برد یا اینکه نه اعتبار را ذاتا از بین نمی برد. معارضه ایجاد می شود باید دید که در این معارضه چه می کنیم. در جایی هم که از باب انسداد صغیر ما ظن را معتبر می کنیم آن فقط این وجه اولش است. امارات بر توثیق ممکن است باعث شود که دیگر برای انسان ظنّ بر ضعف ان حاصل نشود. بنابراین تضعیف از اعتبار بیفتد. البته گاهی اوقات ممکن است تضعیف از اعتبار بیفتد ولی اثبات توثیق این کافی نیست مجرد اینکه ظنّ به ضعف راوی نباشد. باید از آن طرف ظنّ به اعتبارش باشد. بنابراین گاهی اوقات ممکن است ظنّ به تضعیف حاصل نشود ولی ظنّ به وثاقت هم نباشد و چون ما ملاک را مثلا در باب امور رجالیّه و اوصافی که در اعتبار راوی هست ملاک را نفیا و اثباتا بر ظن می دانیم، ظن به وثاقت حاصل نشدن کافی است برای اینکه روایات یک راوی از درجه اعتبار ساقط شود. این کلیّت نحوه بحث ها. حالا یکی یکی قرائن را که توضیح می دهیم تطبیقش می خواهیم بکنیم.

سؤال:

پاسخ: ظنّ شخص مورد. ظنّ شخصی که می خواهیم بگوییم نه ظنّ من مکلّف. من خاص. ظنّ نوع مردم در خصوص این مورد. مراد این است. خب اماراتی که بر توثیق ابو سمینه ذکر شده است، مرحوم آقای خویی وقوع در اسناد کامل الزیارات را ذکر کرده اند. بنابر مبنای سابقی که ایشان داشتند.. ولی پاسخ که می خواهند بدهند روی همان مبنایشان می خواهند پاسخ دهند. در مورد وقوع در اسناد کامل الزیارات یک بحث این است که اصلا وقوع در اسناد کامل الزیارات دلیل بر وثاقت راوی هست یا نیست. آقای خویی سابق قائل بودند که وقوع در اسناد کامل الزیارات دلیل بر وثاقت راوی است بعدا از این مبنا بر گشتند و عقیده شان این شد که فقط آن شهادتی که در ابتدای عبارت کامل الزیارات هست مربوط به مشایخ بلاواسطه مرحوم ابن قولویه است. نه کلّ افرادی که در اسناد کامل الزیارات واقع است.

سؤال:

پاسخ: بله آن قید هم هست. قبلا هم این قید را می کردند. آن قید جدید نیست.

عرض کنم خدمت شما ما در اصل این مبنا اصلا اسناد کامل الزیارات را نه مشایخ مستقیم و نه مشایخ با واسطه هیچ کدامشان را قبول نداریم. عبارت آغازین را دالّ بر توثیق اسناد بهیچ وجه نمی دانیم. بحث آن گذشته است نمی خواهم وارد آن بحث شوم. مرحوم آقای خویی روی همان مبنای سابقشان می گویند با این حال معلوم نیست که شخصی که در اسناد کامل الزیارات واقع شده باشد، این شخص اصلا ابو سمینه باشد. در یک مورد در اسناد کامل الزیارات کسی به نام محمد بن علی قرشی وارد شده است. مورد این است باب 16 حدیث 7

محمد بن حسن بن احمد بن ولید قال حدّثنی محمد بن ابی القاسم ماجیلویه عن محمد بن علی القرشی عن أبیه عن جدّه عن علیّ بن ابی طالب عن عبید بن یحیی الثوری عن محمد بن حسین بن علی بن الحسین عن أبیه عن جدّه عن علی بن ابی طالب

آقای خویی می فرمایند که اینکه مراد از محمد بن علی قرشی در این سند ابو سمینه باشد معلوم نیست. ایشان تعبیرشان این است حالا من چکیده عبارت آقای خویی را اینجا یادداشت کردم یک مقداری مفصل تر مطلبش همین است ولی یک مقداری آدرس در ان هست. ایشان می فرمایند اینکه همین ابی سمینه هست معلوم نیست

و مجرد روایت محمد بن ابی القاسم عنه لا تدلّ علی الاتحاد لامکان روایته عن کلی الرجلین

بعد یک تأییدی می آورند می گویند

و ممّا یؤیّد التغایر روایت الصدوق فی المشیخه عن محمد بن ابی القاسم عن محمد بن علی القرشی الکوفی و عن محمد بن علی الکوفی

آدرس می دهند کجاها است

فقد التزم الصدوق قدس سره ان لا یذکر فی کتابه الا ما یعتمد علیه و یحکم بصحته و کیف یمکن ان یذکر فیه روایات من هو معروفٌ بالکذب و الوضع اذا فمحمد بن علی القرشی الکوفی رجلٌ آخر غیر ابی سمینه المشهور بالکذب.

خب این مطلبی که مرحوم آقای خویی می فرماید محمد بن علی القرشی مذکور در کامل الزیارات ابی سمینه نیست اصل این مطلب که محمد بن ابی القاسم ممکن است از هر دو اینها روایت کند از دو نفر یک محمد بن علی قرشی داشته باشیم که ابو سمینه هست یک محمد بن علی القرشی داشته باشیم که ابی سمینه نیست. ممکن است کسی این جور ان قلت بزند بگوید که خب اگر قرار باشد از هر دو اینها از دو نفر به نام محمد بن علی القرشی روایت کرده است چطور اینها در کامل الزیارات مطلق گذاشته است؟ محمد بن علی القرشی مطلق گذاشته است و هیچ قیدی ذکر نکرده است. این به این نحو تقریب اگر کسی بکند اشکالش این است که این کافی نیست این استدلال. چون علتی که عناوین را مطلق می گذاشتند گاهی اوقات به خاطر این است که یک نفر بیشتر نبوده است مطلق می گذاشتند. ولی گاهی اوقات به خاطر اینکه ولو متعدد بودند به اعتبار سندهای قبلی مطلق می گذاشتند. یعنی فرض کنید دو نفر محمد بن علی القرشی داشتیم. یکی قرشی ابی سمینه و یکی قرشی مثلا ابو محمد. کنیه هایشان فرق داشته اند. بعضی جاها مراد ابی سمینه بوده است در سند های قبلی قید ابو سمینه اش را ذکر کرده بودند و بعضی جاها مراد ابو سمینه نبوده است و در سند های قبلی قیدش را ذکر نکرده بودند. این روایت هایی که مشخصات راوی به نام محمد بن علی القرشی در آن ذکر شده بوده است منتقل نشده است سند های قبلی. اینها منتقل نشده است بنابراین مبهم شده است. ابهام در اثر جدا شدن قرینه از ذوا القرینه در منابع متأخر ناشی شده است. و الا آن موقعی که مثلا محمد بن ابی القاسم ماجیلویه خصوصیاتش را ذکر کرده است، این محمد بن ابی القاسم خصوصیاتش را ذکر کرده است ولی به دلیل عدم انتقال این روایت هایی که ویژگی های محمد بن علی القرشی در آن وجود دارد چون در اسناد بعدی منتقل نشده است این باعث شده است که این ابهام ایجاد شود.

این تقریب به این نحو. ولی بحث عمده این است مطلب را توجه فرمایید اینکه اولا محمد بن ابی القاسم ماجیلویه از محمد بن علی القرشی الکوفی فراوان روایت دارد. شاید هیچ جایی یک مشخصه ای غیر از مشخصه ابی سمینه ذکر نکرده است. اینکه بگوییم یک محمد بن علی القرشی الکوفی وجود داشته است و مشخصه ای داشته است و این مشخصه را در بعضی از اسناد ذکر کرده است این روایت هایی که مربوط به محمد بن علی القرشی الکوفی غیر ابو سمینه باشد و با مشخصه ذکر کرده است هیچ کدامشان به ما نرسیده است. بحث این است که این چطور می شود، هر چه روایت از محمد بن ابی القاسم هست مطلق هست. یا قرشی است یا کوفی است یا قرشی الکوفی است یا ابی سمینه دارد. هیچ یک از روایت هایی که قرشی کوفی باشد و یک مشخصه ای داشته باشد غیر از ابو سمینه وجود ندارد. اینها چیست؟ اینها آن روایت هایی که این قرینه ها در آن ذکر شده است یک دفعه محو شده است و از بین رفته است و فقط روایت هایی که مطلقات منتقل شده است؟ این پیداست که همچین چیزی نیست. انسان مطمئن است که این خودش قرینه است بر اینکه ما یک نفر بیشتر محمد بن ابی القاسم از او روایت نکرده است. به نام محمد بن علی القرشی که دو نفر به نام محمد بن علی القرشی روایت کرده باشند این سازگار نیست. به خصوص این نکته را توجه داشته باشید محمد بن ابی القاسم در مشیخه فقیه فراوان روایتی همچنان که خود آقای خویی هم اشاره می فرمایند از محمد بن علی القرشی یا محمد بن علی القرشی الکوفی روایتش آمده است. عبارت مشیخه از جای دیگری گرفته نشده است. این را ملاحظه فرمایید فرض کنید که روایت هایی که در کامل الزیارات هست شما می گویید این روایت ها را از کتاب ابن ولید گرفته است امثال اینها در کتاب ابن ولید با مشخصه و امثال اینها ذکر شده بوده است. خب آن ممکن است ولی روایت هایی که در مشیخه هست بگوییم که این روایت مشیخه را خود شیخ صدوق دارد تنظیم می کند. تنظیم کننده مشیخه خود شیخ صدوق است. اینکه از یک منبع دیگری گرفته باشد که در آن منبع مشخّصات این محمد بن علی قرشی یا محمد بن علی الکوفی یا محمد بن علی القرشی الکوفی ذکر شده بوده است و در مشیخه شیخ صدوق اینها منتقل نشده باشد در مورد مشیخه صدوق فی غایه البعد است. حالا در یک طریق ممکن است در کتاب مثلا ابن ولید یک روایتی قبل از این روایت مورد بحث ما روایتی که در کامل الزیارات وارد شده است مثلا مشخصه ای ذکر شده بوه است ولی آن مشخصه ذکر نشده است. ولی آن موارد متعددی که در مشیخه فقیه وارد شده است را چطوری می شود توجیه کرد. اینکه بگوییم به احتمال سند قبل قید قرشی را ذکر کرده است مشخصاتش را ذکر نکرده باشد آن خیلی دیگر مستبعد هست. این که آدم مطمئن است که اینها یک نفر هستند.

و مما یؤید ذلک در وحدتش این است که این محمد بن علی القرشی که در کامل الزیارات هست از عبید بن یحیی ثوری نقل می کند. عن عبید بن یحیی الثوری عن محمد بن حسین بن علی بن الحسین. و محمد بن علی از عبید بن یحیی ثوری ابو سمینه از این عبید بن یحیی ثوری مکرر روایت دارد. در احمد بن ابی عبد الله برقی عن محمد بن علی عن عبید بن یحیی ثوری عطار روایاتی دارد محمد بن علی در روایات برقی مراد ابو سمینه است. روایاتی هست احمد بن ابی عبد الله عن محمد بن علی عن عبید بن یحیی ثوری عطار عین همین سند به جای محمد ابی القاسم ماجیلویه، احمد بن ابی عبد الله برقی است. محمد بن علی ای که احمد بن ابی عبد الله برقی از او نقل می کند مراد ابو سمینه است حالا اگر باز دوباره آقای خویی اینجا بگویند که ممکن است که دو نفر باشد دو تا محمد بن علی داشته باشیم که احمد بن ابی عبد الله از او نقل می کند. یک محمد بن علی که ابو سمینه است و یک محمد بن علی دیگر. دیگر باز آن استبعاد خیلی زیادتری پیدا می کند که علاوه بر اینکه محمد بن ابی القاسم دو تا شیخ به نام محمد بن علی دارد و مشخصاتش را هم ذکر نکرده است احمد بن ابی عبد الله هم دو شیخ به نام محمد بن علی داشته باشد و مشخصاتش را ذکر نکرده باشد. آن دیگر خیلی مستبعد هست. به خصوص استبعاد در مورد احمد بن ابی عبد الله از اینجا بیشتر می شود که احمد بن ابی عبد الله از محمد بن علی بسیار زیاد روایت دارد. یعنی روایتش یکی دو تا نیست. این کثرت روایتی از که از محمد بن علی دارد نشان دهنده این است که اعتمادش بر عدم ذکر مشخصات محمد بن علی به اشتهار است. چون مشهور بوده است که محمد بن علی ابو سمینه شیخ احمد بن ابی عبد الله بوده است، محمد بن علی را مطلق گذاشته است. کما اینکه در یک مواردی با قرشی ذکر کرده است مواردی با کوفی ذکر کرده است موارد زیاد هم به اعتبار اینکه همه می دانستند که احمد بن ابی عبد الله برقی از محمد بن علی مطلق ذکر می کند به این اعتبار مطلق گذاشته است. حالا این روایت احمد بن ابی عبد الله عن محمد بن علی عن عبید بن یحیی ثوری عطار این مواردی که من یادداشت کردم ملاحظه فرمایید. کافی جلد 6 صفحه 472 حدیث 1. صفحه 505 حدیث 7، جلد 8 صفحه 221 حدیث 277. روایت اول کافی آن یک در ثواب الاعمال صفحه 210 حدیث 1 از طریق محمد بن ابی القاسم نقل شده است

محمد بن ابی القاسم عن محمد بن علی عن عبید بن یحیی که باز هم تأکید می کند که شیخ محمد بن ابی القاسم که به نام محمد بن علی هست با شیخ احمد بن ابی عبد الله برقی که به نام محمد بن علی هست یکی هست. و اینکه بگوییم دقیقا هم ابو سمینه از عبید بن یحیی نقل می کند هم آن شخص دیگری که بوده است از عبید بن یحیی نقل می کند این هم خیلی مستبعد است این نکته را هم ضمیمه کنم این را ملاحظه فرمایید عبید بن یحیی راوی ای نیست که خیلی پرتکرار باشد. راوی پرتکراری نیست. این یعنی کسی نیست که راوی شخص پر راوی ای نیست. عبید بن یحیی ثوری شاگردهای زیادی ندارد. کسی که شاگرد زیاد ندارد بگوییم که دو نفر تصادفا به نام محمد بن علی قرشی الکوفی در میان رواتش وجود داشته باشند فی غایه البعد هست. شبیه همین هم در مورد محمد بن ابی القاسم ماجیلویه است. محمد بن ابی القاسم ماجیلویه هم پر استاد نیست. ببینید خود احمد بن ابی عبد الله کسی است که مثلا 200 یا 300 استاد دارد. حالا در 200 یا 300 استاد دو نفر به نام محمد بن علی بودن ذاتا خیلی مستبعد نیست. ولی محمد بن ابی القاسم ماجیلویه شخصی نیست خیلی زیاد الآن یادم نیست من حالا تتبع نکردم تا جایی که در ذهنم هست خیلی استادهای زیادی ندارد. شاید محمد بن علی ماجیلویه صرفا عمده استادش همین محمد بن علی ابی سمینه است. حالا این را من یک تتبعی می کنم فردا این را به شما عرض می کنم. محمد بن ابی القاسم شخص پر استادی نیست. شخصی که خیلی استاد نداشته باشد و تصادفا دو نفر استاد داشته باشد که هر دو به نام محمد بن علی باشند و هر دو قرشی و هر دو کوفی باشند خیلی خیلی مستبعد است. خب این هم یک مطلب. نکته دیگری که اینجا ضمیمه کنیم این است که غیر از حالا احمد بن ابی عبد الله یک احمد بن الحسین نامی است که نمی دانم کیست. احمد بن الحسین عن محمد بن علی الکوفی یا محمد بن علی خالی قال حدّثنا عبید بن یحیی الثوری با همین سند در کتاب الیقین صفحه 152 حدیث 17 و 18 هم نقل شده است. یعنی غیر از احمد بن ابی عبد الله یک احمد بن الحسین نامی هم از طریق محمد بن علی الکوفی از عبید بن یحیی نقل می کند که باز همان بیانات می آید که بگوییم باز دو نفر محمد بن علی الکوفی داشته باشد که هر دو هم احمد بن حسین نقل کند باز خیلی مستبعد می شود. بنابراین در اینکه محمد بن

آهان می ماند آن بحثی که ایشان مؤیّدی که ذکر کرده اند. که مؤیّد اینکه خب ایشان می فرماید که شیخ صدوق تصریح کرده است که در کتاب فقیهش فقط روایت های مورد اعتمادش را نقل کند. پاسخ مطلب این است که اولا اشخاصی را که شیخ صدوق تضعیف کرده است در فقیه از انها روایت فراوان دارد. بعضی اشخاص که در خود فقیه تضعیف کرده است ولی از آنها روایت دارد ما داریم. مثل سماعه مثل سکونی و امثال اینها. خب حالا آنها را چه کار می کنیم بماند. من روی این مطلب خیلی تکیه ندارم. تکیه عمده من این است که در مورد محمد بن علی ابی سمینه طریقی که در فهرست شیخ هست خود شیخ صدوق در آن هست. شیخ صدوق کتب محمّد بن علی صیرفی را نقل کرده است ولی استثناهایی کرده است. گفته است الا ما کان فیها من تخلیطٍ أو غلوٍّ أو تدلیسٍ أو ینفرد به و لا یعرف من غیر طریقه. خب چطور نقل کرده است؟ با استثنا نقل کرده است. خب همین را در مورد مشیخه ذکر کنیم. آن روایاتی که ایشان نقل کرده است داخل در مستثنیات بوده است. ایشان علتی که در فقیه از محمد بن علی ....(پرش صوت) سمینه روایاتی را نقل کرده است به خاطر اینکه این روایات روایاتی نبوده است که منفردات باشد. غلوّ و تخلیط نبوده است و داخل در موارد استثنا بوده است. و این نکته را هم عرض کنم اینکه ما در فقیه هر کسی که واقع بشود راوی را ایشان توثیق می کند، این معلوم نیست راوی را توثیق کند. آن نکته اولی هم که عرض کردم که با وجود اینکه تضعیف کرده است باز هم نقل کرده است ممکن است به جهت قرائن خارجی باشد. ممکن است به جهت تأیید به چیزهای دیگری باشد و امثال اینها. بنابراین مجرّد اینکه ایشان در مشیخه فقیه از محمد بن علی القرشی الکوفی نقل کرده است شاهد بر این نیست که این محمد بن علی القرشی شخصی دیگر غیر از ابو سمینه است. و یؤیّد ذلک آن یؤیّدی که آقای خویی می فرمایند این است که در مشیخه فقط از محمد بن علی قرشی و کوفی و اینها که ایشان می گوید نیست. از محمد بن علی الصیرفی هم با قید صیرفی هم دارد. در فقیه جلد 4 صفحه 518 همین طریق محمد بن ابی القاسم عن محمد بن علی الصیرفی دارد. حالا شما قرشی و کوفی را دو تا کردید. دیگر صیرفی را دو تا کردن خیلی مستبعد است. دو نفر باشند هر دو هم صرّاف باشند. صرّاف به هر حال شغل کمی است. حالا قرشی باز یک طایفه ای است که یک مقدار بیشتر است. کوفی بسیاری از روات کوفی هستند. بحث صیرفی را دیگر پایش را وسط بکشید دیگر احتمال اینکه این محمد بن علی صیرفی دو نفر هستند تقریبا ما مطمئن هستیم که دو نفر نیستند. پس محمد بن علی الصیرفی را ذکرش را در مشیخه هر جور توجیه کردید محمد بن علی القرشی را هم همان جور توجیه کنید. توجیهش هم همین است که اینها را داخل در مستثنی می دانسته است. داخل در موارد استثنا ایشان می دانسته است. بنابراین مانعی ندارد محمد بن علی القرشی ایشان در مشیخه فقیه روایت کرده باشد. بنابراین در اینکه در کامل الزیارات صغرویّا ابو سمینه وارد شده است تردیدی نیست. بحث همان بحث کبروی است. که مرحوم آقای خویی هم برگشته اند و ما هم که از اول به طور کلی تر یعنی در یک دایره وسیع تری اصلا عرض می کردیم که کامل الزیارات اسنادش دال بر وثاقت راوی نیست. خب این دلیل اول. دو تا دلیل دیگر هست الآن وقت گذشته است من فقط عنوانش را بگویم توضیح و بررسی اش برای فردا. قرینه دوم بر وثاقت ابی سمینه اکثار روایت اجلا هست. قرینه سوم ذکر ابو سمینه در کافی کثرت روایت ابی سمینه در کافی هست. قرینه سوم. قرینه چهارم وجود ابو سمینه در کافی در باب منفرد.. این را جدا میکنم. چون اینها دو جور تقریب مختلف دارد. یکی کثرت روایت ابی سمینه در کافی و یکی اینکه وجود ابو سمینه در کافی در باب منفرد. این قرائن را انشاء الله فردا در موردشان توضیح می دهم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد